

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

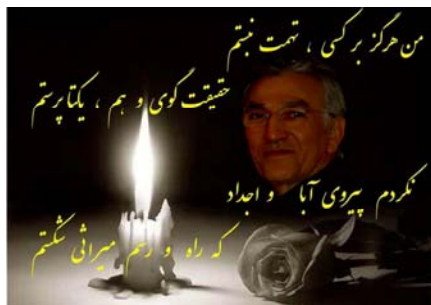
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۳ جنوری ۲۰۲۰



بوی بهاران

آی بشیرا که رویم شهر بزم خسته همه گشته به والله ز رزم
وعده نمودی و شکستی چرا داری به پیکار و به آرم، عزم
بود قرار من و تو، باهمی می نه چرا عهد ترا نیست خزم
چله سرما و بیرون پر ز برف اسلحه بگذار و به دست گیر، وزم
منظر زیبای طبیعت ببین لشکر خزن و غم و اندوه، هزم
بوی بهاران به مشام رسد ریزش شبنم نگرا، روی کزم

«نعمت»! عجب تنگ شده قافیه

گرچه ترا، ارتش سجع است

خزم – استوارکاری، احتیاط، عاقبت نگرستن

وزم – بیل چوبی بزرگ برای روبیدن برف، راشبیل

هزم – شکست دادن، پراکنده ساختن

کزم – هر گیاهی که در کناره های جوی و رودخانه و حوض سبز شود

جزم – استوار، محکم، قطعی